شهادت آتش‌نشان مشهدی در شعله‌های بابانظر

در جریان عملیات اطفای حریق در یک کارگاه چوب و مبل در منطقه بابانظر مشهد، یکی از آتش‌نشانان فداکار شهر دچار حادثه شد و پس از ساعت‌ها جست‌وجو، پیکر بی‌جان او از زیرزمین محل حادثه بیرون کشیده شد.

ظهر جمعه، شعله‌های آتش در کارگاه چوب و مبل واقع در منطقه بابانظر مشهد، مأموران سازمان آتش‌نشانی را به محل حادثه کشاند. در جریان عملیات نفسگیر اطفای حریق، یکی از آتش‌نشانان حاضر در صحنه دچار حادثه و برای ساعاتی مفقود شد.

آتش‌پاد حمیدرضا کافی‌نیا، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد با تأیید این خبر گفت: «در جریان عملیات اطفای حریق در کارگاه چوب و مبل بابانظر، یکی از همکاران فداکار ما دچار حادثه شد و متأسفانه پس از ساعت‌ها تلاش بی‌وقفه نیروهای امدادی، پیکر بی‌جان این شهید ایثارگر از زیرزمین محل حادثه بیرون آورده شد.»

سارقان محموله‌های کامیون‌ها دستگیر شدند

مأموران پلیس اعضای باندی را که بارهای کامیون‌های پارک شده در جاده قدیم قم را سرقت می‌کردند، بازداشت کردند.

به گزارش خبرگزاری پلیس، سرهنگ حسین مافی، فرماندهی انتظامی شهرستان ری با اعلام این خبر گفت: چندی قبل مأموران پلیس در جریان سرقت‌های محموله‌های کامیون‌ها قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان داد سرقت‌های متعدد بار کامیون‌ها در جاده قدیم قم و در زمان استراحت رانندگان صورت گرفته‌است. وی افزود: در این راستا مأموران کلانتری ۱۷۸ حسن‌آباد با رصدهای اطلاعاتی و همچنین گشت زنی‌های نامحسوس در شهریور ماه امسال متهمان را شناسایی کردند و طی یک عملیات ضربتی از سوی تیم عملیات، سارقان در مخفیگاه خود دستگیر شدند. این مقام انتظامی عنوان داشت: متهمان برای تحقیقات به کلانتری منتقل شدند که در بازجویی‌های انجام‌شده ضمن اعتراف به جرم خود و اقرار به ۱۰ فقره سرقت اعلام کردند زمانی که رانندگان کامیون‌های حاوی بار برای استراحت کنار جاده یا معابر متوقف شده می‌خوابیدند با پاره کردن برزنت و پارچه‌های روی محفظه بار کامیون اقدام به سرقت اموال می‌کردند.

وی با اشاره به اینکه تا کنون چند مالباخته از متهمان شکایت کرده‌اند، تصریح کرد: بر حسب دستور مقام قضایی متهمان به مدت یک هفته در اختیار پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفتند تا در خصوص سرقت‌های احتمالی دیگر، تحقیقات به عمل آید.

سرهنگ مافی در پایان به رانندگان و شهروندان توصیه کرد که با رعایت توصیه‌های پلیسی در محله‌ای پرتردد مراقب وسایل خود باشند و از رها کردن آنها در هر مکانی خودداری کنند.

آوار مرگ در خیابان پیروزی

ظهر پنج‌شنبه فرو ریختن یک ساختمان قدیمی در خیابان پیروزی تهران حادثه تلخی رقم زد؛ در این حادثه یک کارگر ۴۲ساله افغان جان خود را از دست داد و دو نفر دیگر نجات یافتند. عملیات نفسگیر آواربرداری بیش از ۱۲ ساعت به طول انجامید.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی تهران به «جوان» گفت: ساعت ۱۲:۰۳ ظهر روز پنج‌شنبه ۲۰ شهریور، حادثه ریزش یک ساختمان ۲/۵ طبقه مسکونی به سامانه ۱۲۵ اعلام شد و بلافاصله سه ایستگاه آتش‌نشانی همراه با تجهیزات کامل به محل، خیابان دهم فروردین اعزام شدند.

به گفته ملکی، در زمان وقوع حادثه سه کارگر در طبقه دوم مشغول عملیات عمرانی بودند که ناگهان کل ساختمان فرو ریخت. یکی از کارگران، مردی ۴۰ ساله ایرانی، توانست خود را نجات دهد. کارگر دوم که از ناحیه کمر به پایین گرفتار آوار شده‌بود، توسط آتش‌نشانان زنده بیرون کشیده شد.

اما کارگر سوم، مردی ۴۲ ساله افغان، به‌طور کامل زیر آوار مدفون شد. آتش‌نشانان به همراه عوامل شهرداری و تجهیزات سنگین جست‌وجو را ادامه دادند و پس از ساعت‌ها تلاش توانستند او را پیدا کنند، اما متأسفانه مرگ وی توسط نیروهای اورژانس تأیید شد.

ملکی افزود: عملیات جست‌وجو و آواربرداری در ساعت ۰۰:۳۵ بامداد به پایان رسید و پس از اطمینان از نبود فرد دیگری در زیر آوار، نیروها به ایستگاه‌های خود بازگشتند.

شرطی که جان بخشید لوازم‌التحریر به جای طناب دار

■ **غلامرضا مسکنی**

پرونده‌ای که با خون آغاز شد، با بخشش پایان یافت. قاتلی که در یک درگیری خیابانی مرتکب قتل شد، پس از فرار و اعتراف، پای چوبه دار رفت، اما شرطی انسانی از سوی اولیای دم، مسیر عدالت را تغییر داد؛ تهیه لوازم‌التحریر برای هزار دانش‌آموز بی‌سرپرست، بهای نجات از طناب دار شد.

صبح گرم یکی از روزهای مردادماه ۹۶، مأموران پلیس یکی از شهرهای جنوبی کشور با تماس مردمی از وقوع درگیری خونین در یکی از خیابان‌های اصلی باخبر شدند. با حضور سریع مأموران در محل، مشخص شد دو مرد با هم درگیر شده‌اند و یکی از آنها با چاقو به شدت زخمی شده و با کمک اورژانس به بیمارستان منتقل شده است.

بدین ترتیب تحقیقات مأموران در بیمارستان ادامه پیدا کرد. مرد زخمی، کاوه ۵۵ ساله تحت درمان قرار گرفت و بعد از عمل‌های جراحی به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد، اما تلاش پزشکان بی‌نتیجه ماند و او بر اثر شدت جراحات جان باخت.

■ **شاهدان عینی**

قتل مرد میانسال به پلیس آگاهی اطلاع داده شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی وارد عمل شدند. در نخستین گام، مأموران به سراغ شاهدان حادثه رفتند. شاهدان عینی به پلیس گفتند که مقتول از خودروی پراید خود پیاده و با مردی موتورسوار وارد گفت‌وگو شده است. لحظاتی بعد، درگیری میان آنها بالا گرفت و مرد موتورسوار با چاقو ضربه‌ای به کاوه وارد کرد و سپس از محل گریخت.

در بررسی دوربین‌های مدار بسته گفته‌های شاهدان تأیید شد، ولی مأموران از طریق دوربین‌ها موفق به ردیابی قاتل نشدند. بنابراین تیم جنایی تحقیقات خود را در بخش دیگری از حادثه متمرکز کرد. بررسی‌های اولیه نشان داد مقتول با فردی به نام بهزاد، دوست قدیمی‌اش، اختلاف مالی داشته و آخرین تماس تلفنی‌اش نیز با او بوده است. مأموران همچنین دریافتند که بهزاد موتورسیکلت دارد و پس از حادثه متواری شده است.

■ **بازگشت با عذاب وجدان**

تحقیقات برای یافتن بهزاد آغاز شد. ردپای او در هیچ‌کدام از شهرهای اطراف پیدا نشد تا اینکه شش ماه بعد، مأموران پلیس متوجه شدند وی به یکی از شهرهای مرکزی کشور گریخته است. تحقیقات برای به دست آوردن سرنخی از مخفیگاه متهم ادامه داشت، اما چند روز پس از این کشف، بهزاد خود را به پلیس معرفی کرد.

او در بازجویی‌های اولیه با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد و گفت: «من و کاوه دوست بودیم. وضع مالی‌ام خوب بود و همراه خانواده‌ام راحت زندگی می‌کردم. مدتی قبل بدهی بالا آوردم و از او پول قرض کردم. قرار بود زود برگردانم، اما اوضاع مالی‌ام بدتر شد، حتی زنم خانه را ترک کرد. هر روز وضع مالی‌ام بدتر می‌شد و با مشکلات جدیدتری روبه‌رو می‌شدم. از زندگی کلافه شده بودم و به دنبال راهی بودم که از این وضعیت خلاص شوم. از طرفی کسی که با هم سرمایه‌گذاری کرده بودیم، فرار کرده بود و کامل زندگی‌ام را باخته بودم. کاوه دائم پولش را می‌خواست. پیغام و پسغام می‌داد که به وعده‌ام عمل نکرده‌ام. او تهدید می‌کرد که شکایت می‌کند و مرا به زندان می‌اندازد. روز حادثه قرار ملاقات داشتیم. می‌خواستم صحبت کنم که به من دوباره زمان بدهد، اما قبول نکرد و با هم مشاجره کردیم و درگیری بالا گرفت. فقط می‌خواستم بترسانمش و چاقو کشیدم، اما چاقو خورد. وقتی دیدم خونین روی زمین افتاده، فرار کردم. سپس باخبر شدم فوت کرده که از ترس از این شهر به آن شهر خانه به دوش شدم و دائم در حال فرار بودم. شش ماه فراری بودم، عذاب وجدان رهایم نمی‌کرد و هر شب کابوس می‌دیدم. از فرار خسته شدم و در نهایت خودم را معرفی کردم. من قصد قتل نداشتم و امیدوارم اولیای دم مرا به خاطر خانواده‌ام ببخشند.»

■ **محاکمه و صدور حکم قصاص**

پس از اعترافات متهم و تکمیل پرونده، بهزاد در دادگاه کیفری محاکمه شد. قاتل اظهار پشیمانی کرد و ماجرا را شرح داد و از خود دفاع کرد. اولیای دم مقتول، دو دختر او بودند که از طریق وکیل خود درخواست قصاص کردند.

هیئت قضایی با توجه به شواهد، اعترافات صریح و عدم رضایت اولیای دم، حکم به قصاص نفس داد. این حکم پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای اجرا به شعبه اجرای احکام استان ارسال شد.

■ **پای چوبه دار**

در نخستین نوبت اجرای حکم، بهزاد پای چوبه دار رفت، اما دو دختر مقتول که ساکن استرالیا شده بودند حاضر نشدند. از طرفی وکیل اولیای دم در زندان حاضر نشد و اجرای حکم به تعویق افتاد.

این تعویق، فرصتی برای تیم صلح و سازش فراهم کرد تا تلاش برای جلب رضایت اولیای دم را آغاز کنند.

■ **شرط بخشش**

تیم صلح و سازش جلسات متعددی را با وکیل اولیای دم و بزرگان آنها برگزار کردند و دو طرف به صورت تلفنی و مکاتبه‌ای با دو دختر مقتول ارتباط داشتند. در نهایت پس از جلسات متعدد، دو دختر مقتول شرطی غیرمنتظره برای بخشش قاتل گذاشتند: «شنیده‌ایم متهم اظهار پشیمانی می‌کند و در زندان هم کارهای خیر زیادی انجام داده و قرآن می‌خواند و مددکاران زندان هم از رفتار او رضایت دارند. ما تصمیم گرفتیم اگر قاتل برای هزار دانش‌آموز بی‌سرپرست و نیازمند، لوازم‌التحریر تهیه کند، او را ببخشیم.»

خانواده بهزاد با شنیدن این شرط، بلافاصله تعداد زیادی از دانش‌آموزان نیازمند را در محل استان شناسایی کردند و لیست این افراد را در اختیار وکیل اولیای دم قرار دادند و سپس اقدام به تهیه لوازم‌التحریر کردند. بسته‌های کامل شامل کیف، دفتر، مداد، خودکار و سایر اقلام آموزشی آماده شد و به اطلاع اولیای دم رسید.

پس از تأیید وکیل، رضایتنامه کتبی دو دختر مقتول به مقام قضایی ارسال و اجرای حکم متوقف شد.

■ **آزادی پس از بخشش**

چند روز قبل پس از دریافت رضایتنامه، بهزاد که ۹ سال از عمرش را در زندان سپری کرده بود با اقدام خداپسندانه دختران مقتول از زندان آزاد شد.

عامل شوخی مرگبار در مغازه مکانیکی دوباره محاکمه شد

■ **آرمین بینا**

مرد جوانی که شش سال قبل در یک مغازه مکانیکی با شلیک گلوله، فردی را به قتل رسانده‌بود، برای دومین بار پای میز محاکمه رفت و مدعی شد در جریان یک شوخی قتل رخ داده‌است. دیوان عالی کشور رأی دادگاه اول را با اعتراض متهم نقض کرد و به همین دلیل وی برای دومین‌بار پای میز محاکمه ایستاد.

در یکی از روزهای سال ۱۳۹۸، مردی با پلیس تماس گرفت و از وقوع شلیک در یک مغازه مکانیکی خبر داد. مأموران بلافاصله به محل حادثه اعزام و با جسد مردی مواجه شدند که آثار گلوله روی بدنش مشهود بود. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و ضارب که از محل گریخته بود، تحت تعقیب قرار گرفت.

■ **پایان فرار ۱۸ ماهه**

تحقیقات پلیس برای یافتن متهم آغاز شد. پس از ۱۸ ماه تعقیب و بررسی سرنخ‌ها، مأموران موفق شدند پیمان، مردی حدوداً ۳۰ ساله را بازداشت کنند. او در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد، اما مدعی شد که قصد کشتن دوستش را نداشته و همه چیز یک شوخی بوده که به فاجعه ختم شده‌است.

■ **جلسه دادگاه**

با صدور کیفرخواست، پرونده به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی، ابتدا اولیای‌دم مقتول درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه ایستاد و گفت: «چند روز قبل از حادثه، کاری برای مقتول و دوستش انجام داده‌بودم، اما پولم را ندادند. روز حادثه آمدند که تسویه‌حساب کنیم. من پایین در مکانیکی بودم و آنها طبقه بالا. تازه یک اسلحه خریده‌بودم که فروشنده گفت چهار تیر دارد. من هم تیرها را درآورده بودم. وقتی رفتم بالا، خواستم شوخی کنم. چون مشروب خورده بودم، خیلی در حال خودم نبودم. اسلحه را سمت حامد گرفتم و ماشه را چکاندم. تصورم این بود که سلاح خالی است، اما تیر شلیک شد و به حامد برخورد کرد. بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفتم، اما وقتی فهمیدم فوت کرده از ترس فرار کردم. قسم می‌خورم قصد قتل نداشتم.»

■ **رأی اولیه دادگاه**

پس از شنیدن دفاعیات متهم و وکیل مدافع، قضات وارد شور شدند. با رأی اکثریت، متهم به قصاص محکوم شد. با این حال، یکی از قضات پرونده رأی به شبه‌عمد داد و اعلام کرد که متهم در حالت مستی و بدون قصد قبلی مرتکب قتل شده‌است.

■ **نقض حکم در دیوان عالی**

متهم به رأی صادره اعتراض کرد و پرونده به یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور رفت. قضات دیوان با بررسی دقیق اظهارات متهم و شرایط وقوع حادثه، رأی صادره را نقض کردند. آنها اعلام کردند که ادعای شوخی و عدم‌آگاهی از وجود گلوله در اسلحه، می‌تواند مصداق شبه‌عمد باشد.

■ **محاکمه دوم**

پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض فرستاده شد. در جلسه دوم دادگاه، اولیای‌دم بار دیگر خواهان قصاص شدند. متهم نیز در دفاعیات خود گفت: «من همچنان اتهام قتل عمد را قبول ندارم. قصد کشتن نداشتم. حتی خودم با اورژانس و پلیس تماس گرفتم. من از اتفاقی که رخ داد، پشیمان هستم.»

با پایان جلسه دوم دادگاه، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

یادداشت

بازسازی اعتماد اجتماعی با عفو هدفمند

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

موافقت رهبر معظم انقلاب با درخواست رئیس قوه قضائیه برای عفو و تخفیف مجازات جمعی از محکومان در آستانه هفدهم ربیع‌الاول، جلوه‌ای از رأفت اسلامی و نگاه انسانی نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران است. این اقدام ضمن ایجاد شادی و امید در خانواده‌ها، ضرورت حفظ امنیت و عدالت را نیز به‌طور روشن نشان می‌دهد. این یادداشت ضمن تحلیل ابعاد اجتماعی و حقوقی عفو، چارچوبی عملیاتی برای نظارت و بازتوانی پس از آزادی ارائه می‌دهد تا فرصت بخشش به بازگشت مثبت به جامعه تبدیل شود.

عفو و تخفیف شامل محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و سازمان تعزیرات حکومتی است که تا ۱۹ شهریور ۱۴۰۴ حکم‌شان قطعی شده باشد.

برای محکومان امنیتی شرط گذشت حداقل پنج سال از قطعی شدن حکم و عدم اتخاذ موضع‌گیری ضدمصالح کشور در نظر گرفته شده است. بیماران صعب‌العلاج با تأیید کمیسیون پزشکی قانونی و برخی محکومان جزای نقدی نیز مشمول عفو هستند و جرائم سنگین شامل سرقت مسلحانه، قاچاق عمده موادمخدر، جاسوسی، عضویت در گروه‌های تروریستی، آدم‌ربایی و اسیدپاشی از شمول عفو مستثنا شده‌اند.

در این بین عفو با ثمرات اجتماعی همراه است از جمله کاهش جمعیت کیفری و بار مالی قوه عدلیه، از همین رو کاهش تعداد زندانیان، فشار مالی و روانی نگهداری طولانی را کاهش می‌دهد و منابع آزاد شده می‌تواند برای برنامه‌های بازتوانی صرف شود. از دیگر سو بازگشت زندانیان به خانواده‌ها باعث تقویت حلقه‌های حمایتی اجتماعی و کاهش آسیب‌های روانی اعضای خانواده، به‌ویژه کودکان می‌شود.

بازسازی سرمایه اجتماعی و مشروعیت قضایی از جمله دیگر مواهب این عفو است. عفو شفاف و مبتنی بر معیارهای مشخص، پیام عدالت همراه با رأفت را به شهروندان منتقل و اعتماد عمومی به قوه قضائیه را تقویت می‌کند. با این حال باید در نظر داشت این رأفت مشمولیت‌های لازم را دربر داشته باشد و منجر به تضییع حقوق عمومی نشود، از جمله اینکه عفو در صورتی که همراه با برنامه‌های بازتوانی و توانمندسازی شغلی و اجتماعی باشد، می‌تواند احتمال بازگشت به جرم را کاهش دهد.

در این بین ایجاد انگیزه برای اصلاح رفتار و خدمت به جامعه، تجربه‌ای مثبت از عدالت را در ذهن مشمولان ایجاد می‌کند.

باید در نظر داشت عفو مشروط است و باید با سازوکارهای نظارتی مشخص همراه باشد تا سوءاستفاده از فرصت ایجاد شده جلوگیری شود. نظارت پس از آزادی شامل گزارش دوره‌ای، حضور در برنامه‌های بازتوانی و تعهدات مشخص قانونی است. همچنین جلب رضایت شاکیان و جبران خسارات، شرط حیاتی در حفظ حقوق آسیب‌دیدگان و جلوگیری از تضییع عدالت است.

عفو مشروط و اصولی، فرصت دوباره‌ای برای محکومان فراهم می‌کند تا به زندگی خانوادگی و اجتماعی بازگردند و مسیر اصلاح و خدمت به جامعه را انتخاب کنند. این اقدام نشان می‌دهد که نظام قضایی کشور هم عدالت و هم رأفت را همزمان دنبال می‌کند. موفقیت این طرح وابسته به نظارت مؤثر، بازتوانی جامع و تضمین حقوق شاکیان است تا عفو تبدیل به کاهش جرم و تقویت سرمایه اجتماعی شود و بازگشت آزادشدگان به جامعه، تجربه‌ای سازنده و پایدار باشد. «عفو به‌مثابه پنجره‌ای از رأفت است، اما این پنجره باید نظارتی امن و سازنده داشته باشد تا بازگشت آزادشدگان به بازسازی واقعی زندگی و خدمت به جامعه منجر شود - نه بازتکرار آسیب. قوه قضائیه، دستگاه‌های حمایتی و جامعه مدنی مسئولند تا این فرصت را به تضمینی برای امنیت و بازتوانی تبدیل کنند.»

سوداگر مرگ در مترو به دام افتاد

فرمانده یگان انتظامی متروی پایتخت از دستگیری فروشنده حرفه‌ای موادمخدر از نوع روانگردان در یکی از ایستگاه‌های متروی تهران خبر داد.

سرهنگ عباس کرمی‌راد گفت: مأموران پلیس یکی از ایستگاه‌های مترو چند روز قبل به فردی که به صورت غیرعادی در حال تردد در ایستگاه مترو بود، مشکوک شدند. این شخص به محض مشاهده مأموران از محل متواری و سریعاً با شگردهای پلیسی در خروجی مترو دستگیر شد.

این مقام انتظامی تصریح کرد: مظنون پس از انتقال به اتاق پلیس در بررسی‌های اولیه از متهم مشخص شد وی دارای سوابق متعدد از جمله سرقت است. در بررسی اموال همراه مظنون مقدار تقریبی ۶۰۰ گرم موادمخدر از نوع روانگردان به همراه ترازوی دیجیتال کشف و ضبط شد. متهم به همراه اموال مکشوفه جهت سیر مراحل قانونی تحویل کلانتری شد.

فرمانده یگان انتظامی متروی پایتخت خاطرنشان کرد: پلیس با اشراف اطلاعاتی و حضور محسوس و نامحسوس در تمام نقاط این شهر زیرزمینی و پهناور اجازه نخواهد داد که قاچاقچیان و مخلان نظم و امنیت در هیچ نقطه‌ای احساس آرامش و امنیت کنند و برخورد پلیس با آنان قاطع خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه سه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۴۷۴۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای میلاد بغدادی به شناسنامه شماره ۴۳۱۰۹۹۰۴۷۹ صادره از قزوین فرزند محمد در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۹۹۹/۴۹ متر مربع مفروز از پلاک شماره ۱۹۶۰ فرعی از ۱۴۲ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای محمد بغدادی که خود مالک اولیه می باشد تایید می نماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷
شناسه آگهی: ۱۹۹۷۷۱۹
حسین رضا نوری شاد – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه سه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۳۳۹۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید قره محمدی به شناسنامه شماره ۵۸ صادره از تهران فرزند رجبعلی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۹۴/۷۸ متر مربع مفروز از پلاک شماره ۱۴۹۶۰ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای عیوض کابلی فرد و با مالکیت مالک اولیه آقای غلامحسین خراسانی گرد کوهی تایید می نماید می نماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷
شناسه آگهی: ۱۹۹۷۰۷۱
حسین رضا نوری شاد – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت نبض سبز درمان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۶۶۲ و شناسه ملی: ۱۰۱۸۳۰۰۲۱۶۷ (نوبت دوم)

در اجرای ماده ۲۲۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت نبض سبز درمان در حال تصفیه (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۶۶۲ و شناسه ملی: ۱۰۱۸۳۰۰۲۱۶۷ که آگهی انحلال آن در صفحه ۶۰ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۳۳۵۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ درج گردیده است، دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه آقای اسدالله محمودی به شماره ملی ۰۶۰۲۵۸۸۰۵۷ مستقر در تهران میدان موج ساختمان آفتاب طبقه ۳ واحد ۳۰۵ کدپستی ۱۴۹۳۸۵۳۳۷۵ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت.

مدیر تصفیه شرکت نبض سبز درمان (سهامی خاص) در حال تصفیه
آقای اسدالله محمودی به شماره ملی ۰۶۰۲۵۸۸۰۵۷